

محمدرضا محقق

گروه فقه و مبانی حقوق اسلامی، واحد دامغان، دانشگاه آزاد اسلامی، دامغان، ایران.

مهدی ذوالفقاری^۱

گروه فقه و مبانی حقوق اسلامی، واحد دامغان، دانشگاه آزاد اسلامی، دامغان، ایران.

احمد رضا بهنیاافر

گروه فقه و مبانی حقوق اسلامی، واحد دامغان، دانشگاه آزاد اسلامی، دامغان، ایران.

بررسی چگونگی ضمان در خسارات بدنی، هزینه های معالجه و توان بخشی از منظر فقه و حقوق

چکیده

دین مقدس اسلام به عنوان کاملترین دین از طرف خداوند متعال برای پاسخگویی نیازهای مادی و معنوی بشر توجه ویژه ای نموده است. فقها و حقوق دانان الزام به پرداخت خسارات وارده به متضرر را امری شرعی و حقوقی می دانند، فردی که سبب ورود هر نوع خسارتی به غیر می شود باید آن را جبران نموده و پاسخگویی عمل خود باشد. خسارات بدنی به استناد قاعده لاضرر، قاعده اتلاف، نفی عسر و حرج، قانون مسئولیت مدنی باید جبران گردد و شریعت مقدس اسلام براساس اصول و قواعد فقهی ذکر شده، ایراد هرگونه ضرر و خسارت را به اشخاص به طور کلی ممنوع می داند. حال به دنبال این سؤال هستیم که در حیطه فقه و مبانی حقوق اسلامی و نیز حقوق موضوعه، در رابطه با خسارات بدنی، هزینه های معالجه و توان بخشی از منظر فقه و حقوق موضوعه چگونه است؟ در گستره ی فقه و مبانی حقوق اسلامی با توجه به قواعد مربوطه می توان چهارچوبی از احکام مرتبط با خسارات بدنی، هزینه های معالجه و توان بخشی از منظر فقه و حقوق تدوین و پیشنهاد نمود و هدف در این مقاله بررسی خسارات بدنی، هزینه های معالجه و توان بخشی از منظر فقه و حقوق می باشد. در حقوق ایران با توجه به مبانی فقهی و حقوقی می توان اصل جبران کل خسارت وارده، هزینه ها را به عنوان یک تکلیف قانونی و شرعی بناکرده، ولی همه متفق القولند که اگر منافع احتمالی وجود آن از دیدگاه عرف محقق باشد قابل مطالبه می باشد. مقصود از درمان و معالجه اقداماتی است که پیش از تمام شدن اثر جنایت یا خسارت بدنی و با هدف جلوگیری از سرایت زیان و یا کاهش نتایج زیان بار و صدمات ناشی از فعل جانی انجام می شود.

واژگان کلیدی: خسارت بدنی، خسارت معنوی، ضرر، هزینه های معالجه، تعدد موضوع ضمان

مقدمه

خسارت بر دو نوع مالی و معنوی است. جبران خسارت مالی در تمام نظام های حقوقی پذیرفته شده است و امکان جبران آن با مراجعه به دادگاه و اثبات زیان وجود دارد. اما در مورد جبران خسارت معنوی به دلایلی از جمله دارابودن ماهیت غیر مالی، دشواری ارزیابی میزان خسارت، ملاحظات اخلاقی و یا مرسوم نبودن مطالبه خسارت، اختلاف نظر وجود دارد، در بیشتر کشورها این نوع خسارت، قابل جبران شناخته شده است و در برخی دیگر، به طور صریح غیرقابل جبران اعلام گردیده یا در امکان جبران آن تردید شده است. در نظام حقوقی ایران، با وجود تصریح بر قابلیت جبران این نوع خسارات در قوانینی چون قانون اساسی و قانون مسئولیت مدنی به دلیل اظهار نظر برخی مراجع قانونی، در رویه قضایی غالباً حکم به جبران این نوع خسارت ها داده نمی شود. علاوه بر این، در منابع فقهی نیز به طور صریح، به امکان جبران این قبیل خسارت ها اشاره نشده است.

خسارت های بدنی هرچند به همراه خود صدمه مالی نیز دارند، ولی به لحاظ ماهیت از نوع خسارت معنوی می باشند و نمی توان آنها را صدمات مختلف نامید. زیرا، با ایراد صدمه بدنی، مصدوم دچار درد و رنج و نقص و جرح و کارافتادگی و از دست دادن تعادل و توانایی مانند آن می شود که تماماً از مصادیق خسارت معنوی می باشند و خسارت های مالی ناشی از بیکاری، بستری شدن، هزینه معالجه، همه در نتیجه آن خسارت معنوی حاصل می گردد که از لحاظ ماهیت، کاملاً قابل تفکیک از یکدیگر هستند و هر یک به تناسب نوع خود باید جبران شود.

در مبانی فقهی، نه تنها حکم به جبران خسارت معنوی منع نشده است، بلکه برعکس، علاوه بر حکم عقل، آیات و روایاتی که دلالت بر منع و یا نهی از ضرر، یا دستور به رعایت عدالت و انصاف و حفظ کرامت انسانی و ارزش های والای آن و حفظ حقوق اشخاص و آبروی آنها دارد، همه حاکی از آن است که نظام حقوقی اسلام نسبت به این گونه خسارت ها، بی تفاوت نبوده است و بر ضرورت جبران آن تأکید دارد. به اجماع فقیهان امامیه جانی را نسبت به هزینه های درمان ضامن شمرده اند و در کتاب و سنت در برابر جنایت به قصاص یا دیه اکتفا شده است و قانونگذار هم با استناد به ماده قانونی بحث هزینه های معالجه را تشریح می نماید.

۲- سؤال پژوهش

در حیطه فقه و مبانی حقوق اسلامی و نیز حقوق موضوعه، در رابطه با خسارات بدنی، هزینه های معالجه و توان بخشی از منظر فقه و حقوق موضوعه چگونه است؟

۳- فرضیه پژوهش

در گستره ی فقه و مبانی حقوق اسلامی با توجه به قواعد مربوطه می توان چهارچوبی از احکام مرتبط با خسارات بدنی، هزینه های معالجه و توان بخشی از منظر فقه و حقوق تدوین و پیشنهاد نمود.

۴- هدف پژوهش

بررسی خسارات بدنی، هزینه های معالجه و توان بخشی از منظر فقه و حقوق.

۵- نوع و روش تحقیق

نوع و روش تحقیق حاضر، توصیفی تحلیلی می باشد و در تدوین و گردآوری تحقیق به صورت کتابخانه ای استفاده شده است و سعی گردیده تا با مراجعه به کتب مربوط اعم از قوانین، مقررات، کتب و متون حقوقی، همچنین استفاده از نرم افزارها و کتابخانه های الکترونیکی حقوقی و در صورت نیاز مراجعه به پورتال های اینترنتی در این زمینه مطالب مورد نیاز از طریق فیش برداری استخراج گردید و سپس حدود منابع مشخص و عناوین دسته بندی گردید و در مواردی که نیاز به تجزیه و تحلیل مباحث بوده است از روش استنتاجی بهره گرفته شده است.

۶- خسارت بدنی

۶-۱- تعریف خسارت

۶-۱-۱- تعریف لغوی

از نظر لغوی خسارت در زبان فارسی مترادف واژه زیان و ضرر است و در اصطلاح کم کردن حاصل فروش از قیمت خرید است (دهخدا، ۱۳۸۵: ۲۲/۷۵). حضرت امام خمینی (ره) معنایی از ضرر ارائه می نماید و آن اینکه ضرر به معنای ضیق یعنی افکندن در حرج و سختی است و ضرر در مقابل آن به معنای نقص در اموال و نفس می باشد. به تعبیر دیگر ضرر و اضرار و مشتق های آنها در زیان های مالی به کار می رود ولی در مورد زیان های معنوی و ضیق و حرج واژه ضرر استعمال می گردد و تأمل در موارد استعمال این واژه در آیات و روایات

مبین این معنی است و نیز قضیه سمره بن جندب مؤید این مدعی است. (امام خمینی (ره)، ۱۴۰۴: ۱/۲۰۰).

کلمه خسارت به معنای ضرر و زیان در معامله و تجارت و نیز ضرر کردن، زیان بردن، زیانکاری، زیانمندی است. (طاهری، ۱۳۸۵: ۱۴۷). ضرر عبارت است از نقص در نفس یا مال یا عضو بدن یا آبرو و مانند آن به نحو تقابل عدم و ملکه است. (آخوند خراسانی، ۱۳۶۵: ۵۵) خسارت در معنای کلمه زیان گفته شده است که زیان به معنای ۱- ضرر مادی یا معنوی، خسارت مقابل سود و منفعت است ۲- آسیب و صدمه ۳- نقصان، زیان بردن و ضرر رسانیدن است. (ابن منظور، ۱۴۰۹: ۱۴/۱۳۲ و ۱۵).

۶-۱-۲- تعریف اصطلاحی

از نظر فقهی خسارت در معنای اصطلاحی، صدمه جانی وارد کردن به خود و دیگری اعم از ضرب، جرح، قتل، تجاوز به حیثیت دیگران و خود، اتلاف و ناقص کردن اموال دیگران و خود و در نهایت ممانعت از وجود پیدا کردن نفعی که مقتضی وجود آن حاصل شده است، استعمال گردیده است. (داراب پور، ۱۳۷۷: ۸۴).

۶-۲- خسارت بدنی از منظر فقه و حقوق

خسارت غیر مالی عبارت است از خسارت بدنی مانند قتل و ضرب و جرح، از کارافتادگی کامل و یا ناقص شدن و خسارات ناشی از سلب آزادی فرد مانند زندان، توقیف، اخراج. خسارت معنوی و روحی ناشی از تحمل آلام و مصائبی که به احساسات و معنویت انسان لطمه می زند. (فیوضی، ۱۳۵۶: ۴۶).

وجود ضرر یکی از ارکان و شرایط اساسی مسئولیت مدنی است، زیرا موضوع مسئولیت مدنی جبران ضرر نارواست و تا زمانیکه ضرر محقق نشود موضوعی برای جبران ضرر وجود ندارد. (کاتوزیان، ۱۳۷۱: ۱/۱۳۵).

در برخی از آیات و روایات ضرر نهی یا مورد نفی قرار گرفته است، عقل هم اضرار به خود و دیگری را قابل نکوهش می داند و هم ضرر و جبران آن را ضروری می داند. (موسوی بجنوردی، ۱۴۱۳: ۱/۲۰۵).

علاوه بر قاعده لاضرر، قاعده ردّ مظالم یکی از اصلاحات اسلامی حق الناس است. به طوری که نادیده گرفتن آن موجب عذاب های دنیوی و اخروی می شود. براساس تعالیم اسلامی اگر

در حق کسی ظلم جانی، عرض و مالی روا شد، باید جبران شود تا در قیامت مشکلاتی را برای شخص پدید نیاورد. (محقق داماد، ۱۳۷۴: ۱/۱۵۰).

امام علی (ع) می فرماید: «به عزت و جلال خودم سوگند، از ظلم هیچ ظالمی نخواهم گذشت اگرچه به اندازه دست بر دست زدنی باشد، یا با فشار دادن دستی از روی ستم، محقق شده باشد». (علامه مجلسی، ۱۴۰۹: ۱۳۵).

در رابطه با اتلاف می توان اینگونه استنباط کرد، کسی که جنایتی را بر شخصی وارد کرده ضامن خسارت است چه عمد و قصد داشته باشد یا نه. (خویی، ۱۳۹۴: ۲/۱۷۰). با استناد به قاعده اتلاف، تسبیب، قاعده لاضرر، قاعده رد مظالم، شخص زیان رسان مسئول جبران خسارت وارده به دیگری است و باید در صدد جبران خسارت بر آید. این خسارت می تواند خسارت تلف شدن انسانی باشد یا می تواند خسارت نقص عضو، دیه عضو ناقص، هزینه های درمانی و حتی خسارات ناشی از بازماندگان صدمه دیده از کار باشد. حقوقدانان خسارات بدنی را دارای ماهیت مادی (جعفری لنگرودی، ۱۳۶۷: ۱/۲۳۵) و یا مرکب از هر دو نوع خسارت مالی و معنوی و به عبارتی مختلط به حساب آورده اند. (آخوندی، ۱۳۶۷: ۱/۱۲۰).

۷- هزینه های معالجه و توان بخشی

۷-۱- خسارت معنوی

خسارت معنوی عبارت است از: « خسارت وارده به حیثیت یا اعتبار و شخصیت جسم و روح و آزادی و هر حق دیگر قانونی فرد که جنبه مادی ندارد». (سلطانی نژاد، ۱۳۹۴: ۱/۹۹). مبانی مطالبه خسارت معنوی در نظام حقوقی ما با سایر نظام های حقوقی تفاوت دارد، زیرا علاوه بر نظریات حقوقی، قواعد شرعی نیز مبانی خسارت معنوی را تشکیل می دهند. (آشوری، ۱۳۷۶: ۱/۱۱۱).

خسارت معنوی عبارت است از: صدمه به منافع عاطفی و غیر مالی، مانند احساس درد جسمی و رنج های روحی، از بین رفتن آبرو و حیثیت و آزادی، با توجه به بند ۲ ماده ۹ قانون آئین دادرسی کیفری و ماده یک مسئولیت مدنی، منشأ ضرر معنوی لطمه زدن به یکی از حقوق مربوط به شخصیت و آزادی های فردی و حیثیت و شرافت (سرمایه معنوی) و یا در نتیجه صدمات روحی است. (کاتوزیان، ۱۳۷۴: ۱/۱۲۸).

خسارت معنوی عبارت است از صدمات روحی و کسر حیثیت و اعتبار شخص است که در اثر عمل بدون مجوز قانون دیگری یافت شده است و بر دو قسم است؛ کسر حیثیت و اعتبار و صدمات روحی است. کسر حیثیت و اعتبار در اثر افتراء و ناسزا بوسیله اوراق چاپی، کاریکاتور در روزنامه، انتشار عکس در وضع خلاف اخلاق، نسبت های ناروا به اشخاص، توهین به مقدسات ملی و مذهبی، کسر اعتبار مثل نسبت ورشکستگی دادن به تاجر صورت می گیرد و صدمات روحی که در اثر آلام روحی ناشی از مرگ خویشاوندان می باشد. (امامی، ۱۳۶۵: ۱/۲۵).

۷-۱-۱- خسارت جسمی یا صدمه بدنی

خسارت معنوی وارد بر اشخاص حقیقی سه نوع است:

۱- خسارت جسمانی یا صدمه بدنی ۲- خسارت روحی ۳- خسارت شخصیتی که به آن دارایی یا سرمایه معنوی گفته می شود.

خسارت جسمی یا صدمه بدنی، در حقوق ایران در هیچ متن قانونی درباره ماهیت صدمه های بدنی اشاره ای نشده است. (سلطانی نژاد، ۱۳۹۴: ۱/۲۰۵). حقوقدانانی که در این باره اظهار نظر کرده اند اینگونه خسارت ها را دارای ماهیت مادی (جعفری لنگرودی، ۱۳۶۷: ۱/۱۹۹) از هر دو نوع خسارت مالی و معنوی و به عبارتی مختلط به حساب آورده اند.

اولاً: هرچند جسم انسان از عناصر مادی تشکیل شده است، ولی به هیچ عنوان مال محسوب نمی گردد تا صدمه وارد بر آن مالی یا مادی به حساب آید. بنابراین قتل، ضرب، جرح، قطع عضو و نقص آن یا صدمات دیگر را نمی توان خسارت مالی یا مادی نامید.

ثانیاً: همراه بودن خسارت های بدنی با خسارت های مالی ناشی از بستری شدن، هزینه معالجه، بیکاری، مراقبت های ویژه و مانند آن، نباید موجب یکی دانستن دو نوع خسارت گردد. زیرا در بسیاری موارد ممکن است صدمه بدنی منجر به زیان مالی نشود، به عنوان مثال: ضرب و ایراد جرح یا تغییر رنگ پوست و یا آسیب ساده یک عضو بدن ممکن است هیچ نوع ضرر مالی به دنبال نداشته باشد. از سوی دیگر وجود دو خسارت با ماهیت متفاوت در یک حادثه باعث تغییر ماهیت آن دو و یکی شدن آنها نمی شود.

در بسیاری از نظام های حقوقی، صدمات بدنی از انواع خسارات معنوی محسوب شده و مهمترین عنصری که در این قبیل صدمات مورد توجه قرار گرفته درد و رنج است. (سلطانی نژاد، ۱۳۹۴: ۱/۱۳۰).

۷-۱-۲- خسارت روحی

یکی از انواع خسارت معنوی، صدمه روحی و روانی وارد بر زیان دیده می باشد که در اثر عوامل گوناگون و با مراتب مختلف بر او وارد می شود؛ از یک رنج و ناراحتی ساده تا غم و اندوهی جانکاه که به نوبه خود باعث اختلال فکری و یا جنون آسیب دیده می گردد. (نقیبی، ۱۳۸۸: ۱۷۷).

برخورداری از تعادل روحی و روانی لازمه توفیق در تنظیم امور شخصی و اجتماعی است و کسی که در اثر حادثه ای دچار افسردگی، اختلال حواس، حیرت و شگفتی، یأس و ناامیدی، رنج روحی و غم و اندوه و سایر آسیب های روانی می گردد، از ساماندهی رفتار و ابعاد مختلف زندگی محروم می شود.

هزینه های معالجه و توان بخشی: خسارتی که مجنی علیه در مقام درمان خود متحمل شده است. از مصادیق آشکار زیان هایی است که به دنبال جنایت واقع می گردد و از این رو، موضوع جبران خسارت های مذکور طرح دیدگاه های متغییری را به ویژه در جهت حمایت از مجنی علیه برانگیخته است. قانونگذار در ماده ۴۵۶ لایحه قانون مجازات اسلامی در سال ۱۳۸۸ به تصویب کمیسیون قضایی و حقوقی رسید و سپس مورد ایراد شورای نگهبان واقع شد، آورده است: «هرگاه هزینه های متعارف معالجه مجنی علیه بیش از دیه باشد، علاوه بر دیه، خسارت مازاد نیز باید از باب قاعده لاضرر با أخذ نظر کارشناس و با حکم دادگاه تعیین و بدون رعایت موارد مقرر برای پرداخت دیه، توسط مرتکب پرداخت گردد. در این مورد تفاوتی میان جنایت خطای محض، شبه عمدی و عمدی موجب دیه نیست».

برخی از حقوقدانان چنین برداشت کرده اند که ضمان هزینه درمان به قدر دیه است و جز آن چیزی بر جانی ثابت نیست. (علامه مجلسی، ۱۴۰۹: ۲۰۰).

- به اجماع فقیهان امامیه (موسوی، عبدالکریم) جانی را نسبت به هزینه های درمان ضامن شمرده اند و بر این باورند که در کتاب و سنت در برابر جنایت، به قصاص یا دیه اکتفا شده است و شارع در مقام بیان جبران صورت های گوناگون زیدادی ناشی از جنایت، به هزینه های معالجه اشاره نکرده است و از آنجا که اقتضای بر دیه در این مقام مانند تصریح به عدم ضمان نسبت به هزینه های مذکور است، فقهای اسلامی بدون اختلاف بر سقف بودن دیه نظر داده

اند و آن را همه چیزی دانسته اند که مجنی علیه به سبب جنایت استحقاق می یابد. (مکارم شیرازی، ۱۳۶۷: ۲/۱۶۸).

۷-۲- اسناد هزینه های درمان به جانی و احراز تعدد موضوع ضمان

ثبوت ضمان جانی نسبت به هزینه های معالجه و توان بخشی به دو شرط اساسی منوط می باشد:

۱- اسناد هزینه های درمان ۲- احراز تعدد موضوع ضمان

ضرورت اسناد هزینه های درمان به جانی: مقصود از درمان و معالجه اقداماتی است که پیش از تمام شدن اثر جنایت و با هدف جلوگیری از سرایت زیان و یا کاهش نتایج زیانبار و صدمات ناشی از فعل جانی انجام می شود در این گونه موارد جانی نسبت به هزینه های انجام شده در مقام درمان، نقش (سبب) خواهد داشت؛ زیرا بیش از موقعیت «شرط» در اقدامات استعلاجی مذکور مدخلیت داشته و به شکل مؤثری کارآمد بوده است. تأثیر جنایت در انجام اقدامات درمانی به ویژه از آن جهت است که در غالب موارد، جانی با ایجاد تنگنا و ضرورت ناشی از جنایت، مجنی علیه را به نوعی به پیشگیری از سرایت و توسعه آثار زیانبار جنایت واداشته است؛ زیرا خطر و تهدید سری جنایت، پس از فعل جانی همچنان موجود است و مجنی علیه در این وضعیت مانند کسی است که در شرایط اضطرار، تهدید، به منظور دفع ضرر شدیدتر ناگذیر از انجام اقداماتی شده است. در این صورت، ایجاد کننده شرایط اضطراری، هرچند انجام فعل اضطراری (اقدامات درمانی) را طلب نکرده باشد، بدون شک سبب حدوث آن را فراهم کرده است. (محقق اردبیلی، ۱۴۱۵: ۱۲۵). بنابراین نسبت به آن ضامن است و این با مواردی که مجنی علیه پس از تمام شدن جنایت و با هدف جبران و ترمیم صدمات وارده و اعاده حتی المقدور وضع سابق اقدام می کند، متفاوت است؛ زیرا با تمام شدن جنایت، جانی به وسیله آن جنایت فقط «شرط» اقدامات بعدی مجنی علیه را باعث شده و هیچ نقش سببی را نداشته است.

تعدد موضوع ضمان: در مواردی که هزینه های مربوط به اقدامات استعلاجی در طول جنایت ارتكابی بوده، به جنایت جانی مستند باشد، اگر زیان های مذکور جزئی از موجب دیه و بخشی از علت ثبوت آن قلمداد گردد، موضوع ضمان واحد قلمداد می شود و جز دیه مقدر، بر ذمه جانی نخواهد بود؛ ولی اگر مورد از مصادیق تعدد موضوع محسوب شود، این گونه هزینه ها

علاوه بر موجبات دیه یا قصاص، خود باعث و علت نوینی است که باید از سوی جانی جبران شود، زیرا در این صورت، هزینه های درمان خود ضرر مستقلی است که با پرداخت دیه یا اجرای قصاص جبران نشده باقی مانده است. (صفایی، ۱۳۷۶: ۲۳۳).

حادثه ناشی از کار و هزینه های معالجه و توان بخشی:

حادثه ناشی از کار عبات است از: اتفاق یا پیامدی که در جریان انجام کار پدید آمده و با صدمات شغلی مرگبار یا غیر مرگبار همراه می باشد.

مطابق ماده ۶۰ قانون تامین اجتماعی حوادث ناشی از کار حوادثی است که در حین انجام وظیفه و به سبب آن برای بیمه شده اتفاق می افتد. مقصود از حین انجام وظیفه تمام اوقاتی است که بیمه شده در کارگاه یا موسسات وابسته یا ساختمان ها و محوطه آن مشغول به کار باشد و یا با دستور کارفرما و خارج از محوطه کارگاه عهده دار انجام ماموریتی باشد، اوقات مراجعه به درمانگاه و بیمارستان و یا برای انجام معالجات درمانی و توانبخشی و اوقات رفت و برگشت بیمه شده از منزل به کارگاه جزء اوقات انجام وظیفه محسوب می گردد. مشروط بر اینکه در زمان عادی رفت و برگشت به کارگاه اتفاق افتاده باشد، حادثی که برای بیمه شده حین اقدام برای نجات سایر بیمه شدگان و مساعدت به آنان اتفاق می افتد حادثه ناشی از کار محسوب می شود.

مسئولیت کیفری حادثه، حسب نظر بازرسان کار یا کارشناس رسمی دادگستری و بر اساس رای قضایی بر عهده مقصر یا مقصرین حادثه است. حسب ماده ۹۵ قانون کار مسئولیت اجرایی مقررات و ضوابط فنی بر اثر عدم رعایت مقررات مذکور از سوی کارفرما یا مسئولین واحد، حادثه ای رخ دهد، شخص کارفرما یا مسئول مذکور از نظر کیفری و حقوقی و نیز مجازات های مندرج در این قانون مسئول است هزینه های معالجه شخص حادثه دیده پرداخت شود. حسب ماده ۵۴ قانون تامین اجتماعی بیمه شدگان و افراد خانواده آنها از زمانی که مشمول مقررات می گردند در صورت مصدوم شدن بر اثر حوادث یا ابتلا به بیماری می توانند جهت معالجه از خدمات پزشکی استفاده نمایند. خدمات پزشکی به عهده صندوق تامین اجتماعی است که شامل کلیه اقدامات درمانی، تحویل داروهای لازم و انجام آزمایشات تشخیصی طبی جهت معالجه می باشد.

هزینه های معالجه و توانبخشی بر عهده بیمه می باشد، بیمه مسئولیت، بیمه ای است که به موجب آن بیمه گر متعهد می شود که هر گاه بیمه گذار در عقد معین به سبب تخلفی از

تعهد خود ملزم به پرداخت خسارتی به نفع متعهد (زیان دیده) آن عقد گردد بیمه گر آن خسارت را بپردازد. در خصوص بیمه مسئولیت مدنی حوادث ناشی از کار عبارت است از مسئولیتی که کارفرما در صورت مقصر بودن خودش از یکی از شرکت های بیمه خریداری می نماید یا به عبارتی دیگر مسئولیت خود را در مقابل کارگران به شرکت بیمه واگذار می نماید. مطابق ماده ۷۹ قانون کار به کار گماردن افراد کمتر از ۱۵ سال تمام ممنوع است و چنانچه حادثه ای رخ دهد به موجب تبصره ۳ ماده ۲۹۵ قانون مجازات اسلامی وارد کننده خسارت مسئول است.

تعیین میزان دیه در حوادث ناشی از کار با توجه به دستور قاضی پرونده تعیین ارزش دیه در حوادث ناشی از کار توسط پزشک قانونی مشخص و صدور رای بر عهده مقام محترم قضایی است. مطابق ماده ۷ قانون ماده تامین اجتماعی، بیماری وضع غیر عادی جسمی یا روحی است که انجام خدمات درمانی را ایجاب می کند یا موجب عدم توانایی موقت اشتغال به کار می شود یا اینکه موجب هر دو در آن واحد می گردد. عوارضی که به مرور زمان به تاثیر از آلاینده های محیط کار در فرد ایجاد می شود. مرجع رسیدگی به آن کمیسیون های پزشکی یا شواری پزشکی می باشد.

به استناد ماده ۲۹۵ قانون مجازات های اسلامی کارگر می تواند برای اخذ دیه از طریق مراجع قضایی اقدام نماید و ملاک رای مراجع قضایی است.

۸- خسارات مربوط به درد و رنج بیماری یا آسیب وارده

در حقوق ایران ارزیابی خسارت های درد و رنج به طور کلی و به عنوان بخشی از خسارت های معنوی در کتب حقوقی مطرح گردیده است. در این تحقیق در صدد بیان جبران و ارزیابی خسارت ها شده ایم همچنین مطالعه نشان می دهد که جبران اینگونه خسارت ها در بسیاری از کشورها بدون تردید پذیرفته شده است.

خسارت های درد و رنج یکی از متداول ترین انواع زیان هایی است که در روابط افراد با یکدیگر به بار می آید. اهمیت بررسی اینگونه خسارتهای به این دلیل است که از یک سو سلامت روانی افراد یک جامعه ضامن پیشرفت و توسعه آن جامعه می باشد و از سوی دیگر جبران خسارت همواره به عنوان یکی از اهداف اصلی حقوق که همانا برقراری عدالت و حتی الامکان اعاده وضع اشخاص زیان دیده به حال سابق می باشد مورد توجه بوده است. (کتوزیان، ۱۳۷۱: ۱/۲۱۵).

درد و رنج یک عبارت حقوقی است که در تعریف درد و رنج گفته شده است: تمام مصائبی که شخص ممکن است در اثر یک حادثه متحمل آن شود چراکه مصائبی که شخص در اثر یک حادثه ممکن است تحمل کند زیان های مالی و صدمه به جسم را هم علاوه بر درد و رنج ناشی از آن در بر می گیرد.

رنج مفهوم وسیع تری دارد که ابعاد بیشتری را نسبت به درد در بر می گیرد و عوامل بالقوه بسیاری دارد که درد یکی از آنهاست. در حقیقت همه دردها باعث رنج نمی شوند و همه رنج ها هم نشأت گرفته از درد نیستند.

غذاب روحی (رنج) عذاب جسمی (درد)، رنج عبارت است از درد به اضافه اضطراب و دلشوره و اضطراب باعث می شود شخص به آینده بیاندیشد و همیشه در انتظار اتفاقی ناخوشایند در آینده باشد. برای مثال شخصی را در نظر بگیرید که مدال طلای المپیک را برده است و روز بعد از مسابقه احساس کوفتگی و درد می کند. و یک بیمار سرطانی نیز ممکن است به اندازه همان ورزشکار احساس رنج کند اما رنج بیمار سرطانی بیشتر است.

در حقوق ایران در تعریف خسارت معنوی گفته اند: «احساس درد جسمی و رنج های روحی، از بین رفتن آبرو، حیثیت و آزادی و ایجاد شرمساری». (کاتوزیان، ۱۳۷۴: ۱/۱۴۶).

در تعریف خسارت درد و رنج می توان چنین گفت: «خسارت درد و رنج عبارت است از صدمه به منافع عاطفی، غیرمالی و احساس راحتی فرد». که شامل درد و رنج ناشی از صدمه جسمی درد و رنج ناشی از صدمه روحی می باشد. (نقیبی، ۱۳۸۸: ۱۹۸).

در نهایت و در نتیجه می توان گفت «: ۱- ارزیابی دقیق خسارت های درد و رنج به پول امکان پذیر نیست چراکه این خسارت ها خود ماهیت مادی نداشته و مرتبط با عواطف و احساسات اشخاص و یا احساس درد جسمی می باشد و راه حل هایی که برای ارزیابی اینگونه خسارت ها که به پول ارائه خواهد شد تنها راهنمایی است تا با کمک آنها حتی الامکان خسارت های درد و رنج به پول تبدیل شده و جبران شوند ۲- ارائه راه حل برای ارزیابی خسارت های درد و رنج ۳- ارائه راه حل بر مبنای اشخاص صالح برای ارزیابی خسارت.

در این روش تعیین خسارت به قاضی سپرده می شود و چنانچه در عقد و یا در قانون مبلغ خسارت تعیین نشده، قاضی دارای صلاحیت لازم در سنجش و ارزیابی و تعیین مبلغ خسارت است و به آن حکم خواهد کرد.

برخی معتقدند که ارزیابی دقیق خسارت های درد و رنج به پول امکان ندارد و تنها رأی که «منصفانه» دادگاه ها می توانند انجام دهند این است که به یک مبلغ متعارف و معقول یا همه آنچه که قضاوت و دادگاه ها می توانند رأی دهند. در حقوق ایران با استفاده از ماده ۳ قانون مسئولیت مدنی می توان گفت به نوعی تعیین مبلغ خسارت های درد و رنج در اختیار قاضی قرار گرفته شده است.

۸-۲- راه حل قانونی

تعیین قانونی خسارت با توجه به نام آن عبارت است از اینکه قانونگذار به روشنی مبلغ خسارت را در قانون بیان می دارد و قاضی حق ندارد که مبلغ مقطوع را تغییر دهد. برخی معتقدند که جعل این مبالغ در قانون در مورد خسارت های درد و رنج باید با در نظر گرفتن مسائل اقتصادی و اجتماعی انجام شود. تصمیم گیری در مورد ارزیابی خسارت های درد و رنج باید از نگاهی جامع به مسائل اقتصادی و اجرایی همراه باشد که این تصمیم تنها از عهده قانونگذار برمی آید. قانونگذار می تواند با توجه به اینکه سطح زندگی در یک کشور بالا رفته و ساعات کارگران کم شده است و در نتیجه آنان می توانند اوقات فراغت بیشتری را بگذرانند و از سطح رفاه بالاتر برخوردار شوند، مبلغ خسارت های درد و رنج را افزایش دهد چراکه در نتیجه ورود خسارت رفاه بیشتری از افراد سلب شده است.

۸-۳- تعیین توافقی

در این روش مبلغ قابل پرداخت برای خسارتهای درد و رنج ممکن است قبل یا بعد از ایراد زیان تعیین شود. باید گفت که این نوع از تعیین خسارت که در مسئولیت قراردادی متعارف است به صورت وجه التزام و شرط کیفری علیه طرفی در ضمن عقد مقرر می شود که به طرف مقابل خسارتی وارد می کند. چنین شرطی در صورتی که مغایر با قوانین و نظم عمومی و اخلاق حسنه نباشد معتبر و لازم الاجرا است. (امامی، ۱۳۶۵: ۱/۶۴).

ماده ۲۳۰ قانون مدنی ایران نیز آن را پذیرفته است. در مورد خسارت های درد و رنج نیز این شرط در صورتی که از مصادیق سوءاستفاده از حق محسوب نشود معتبر است. (نقیبی، ۱۳۸۸: ۱۲۷).

۹- پیشنهاد

برای حل مشکل ارزیابی خسارت های درد و رنج پیشنهاد می شود خسارت های درد و رنج از طریق برنامه ها یا قالب ها یا طرح ها ارزیابی گردیده و در یک چارچوب مشخص سازماندهی شود. نوعی خسارت یکدست برای گروه های مشابهی از خسارت ها مقرر شده و از اختلاف و تغییر در آراء در گذشته در مورد خسارت های درد و رنج ناشی از صدمات مختلف صادر شده است تنظیم گردد.

قیمت گذاری و ارزیابی خسارت های درد و رنج همیشه به عنوان چالشی پیش روی حقوق دانان و قضات وجود داشته است خسارتهای درد و رنج که در حقیقت به طور دقیق قابل تقویم به پول نیست، کاستی های خاص خودش را داراست. به نظر می رسد شیوه هایی نظیر استفاده از نظریه تمایل به پرداخت پول برای فرار از خطر و یا تعیین مبلغی مقطوع برای خسارت های درد و رنج در کشورهای که این تحقیقات در آنها انجام گردیده عملی تر باشد چراکه این شیوه ها با در نظر گرفتن شرایط خاص هر جامعه پیشنهاد شده است و در حقوق ایران هنوز بستری برای کارآیی آن فراهم نشده است تحقیقات بیشتری لازم است تا بتوان راه حلی را برای ارزیابی دقیق اینگونه خسارت ها به پول یافت که متناسب با شرایط حاکم بر جامعه ایران و حقوق و قواعد و ارزش های اجتماعی خاص جامعه ایران باشد.

از آنجا که هنوز تحقیقات جدی در زمینه ارزیابی دقیق خسارت های درد و رنج و آسیب وارده به پول در کشور ما انجام نگرفته است. برای مثال در تعیین مبلغی برای جبران خسارت های درد و رنج ناشی از صدمات جسمی، از هزینه های پزشکی الهام بگیرند، در صورتی که شرایط حادثه نیز استعداد استفاده از چنین شیوه ای را داشته باشد.

قانونگذاری می تواند با استفاده از تحقیقات جامعه شناسان و اقتصاد دانان تدابیری برای ارزیابی اینگونه خسارت ها به پول ارائه دهد و برای مثال و به عنوان اولین گام جدولی را نظیر طبقه بندی انواع خسارت های درد و رنج با توجه به شدت و ضعف آنها با تعیین مبلغی معین در اختیار قضات بگذارد تا ایشان به صورت اختیاری، و با در نظر گرفتن شرایط پرونده از این

جدول راهنما بهره جوید. و رویه قضایی با دقت و پشتکار و با در نظر گرفتن انصاف و عدالت روزنه ای را برای جبران و ارزیابی اینگونه خسارت ها به پول بگشاید.

۱۰- نتیجه گیری

خسارت های بدنی از نظر حقوق دانان واجد دو جنبه مادی و معنوی اند. بدون شک خسارت مربوط به زیان معنوی ناشی از لطمات بدنی از قلمرو رجوع طلبکاران بیرون است. اما طلبکاران حتی بر بخش مادی زیان های بدنی (خسارت از کارافتادگی، افزایش هزینه های زندگی، هزینه معالجه و درمان) هم حقی ندارد. همراه بودن خسارت های بدنی با خسارت مالی ناشی از هزینه های معالجه، بستری شدن و ...، نباید موجب یکی دانستن این دو نوع خسارت گردد. زیرا در بسیاری موارد ممکن است صدمه بدنی منجر به زیان مالی نشود، به عنوان مثال ضرب و شتم و ایراد جرح یا تغییر رنگ پوست و یا آسیب ساده یک عضو بدن ممکن است هیچ نوع ضرر مالی را به دنبال نداشته باشد. از سوی دیگر وجود دو خسارت با ماهیت متفاوت در یک حادثه باعث تغییر ماهیت آن دو و یکی شدن آنها نمی شود. در صدمات بدنی که به همراه یا به تبع آن خسارت مالی نیز بوجود می آید، این دو نوع خسارت دارای دو ماهیت مختلف بوده که در یک حادثه بروز نموده و از یکدیگر کاملاً متمایز هستند.

به اجماع فقهای امامیه جانی را نسبت به هزینه های درمان ضامن شمرده اند و بر این باورند که در کتاب و سنت در برابر جنایت، به قصاص یا دیه اکتفا شده است و شارع در مقام بیان جبران صورت های گوناگون زیادی ناشی از جنایت، به هزینه های معالجه اشاره نکرده است و از آنجا که اقتصار بر دیه در این مقام مانند تصریح به عدم ضمان نسبت به دیه هزینه های مذکور است، فقهای اسلامی بدون اختلاف بر سقف بودن دیه نظر داده اند و آن را همه چیزی دانسته اند که مجنی علیه به سبب جنایت استحقاق می یابد.

فهرست منابع و مآخذ

۱. ابن منظور، جمال الدین، محمد بن الکرّم، (۱۴۰۹) *لسان العرب*، بیروت.
۲. امام خمینی (ره)، سیدروح الله، (۱۴۰۴) *تحریر الوسیله*، مؤسسه اسماعیلیان، قم.
۳. امامی، حسن، (۱۳۶۵) *مسئولیت مدنی*، کتابفروشی اسلامیة، نشریه دانشکده حقوق دانشگاه ملی، تهران.
۴. آخوند خراسانی، محمد کاظم، (۱۳۶۵) *کفایه الاصول*، انتشارات امام المهدی، قم.
۵. آخوندی، محمد، (۱۳۶۷) *آیین دادرسی کیفری*، انتشارات جهاد دانشگاهی، تهران.

۶. آشوری، محمد، (۱۳۷۶) آیین دادرسی کیفری، انتشارات سازمان سمت، تهران.
۷. بجنوردی، میرزاحسن، (۱۴۱۳) قواعد الفقهیه، مؤسسه اسماعیلیان، قم.
۸. جعفری لنگرودی، محمدجعفر، (۱۳۶۷) ترمینولوژی حقوق، کتابخانه گنج دانش، تهران.
۹. خویی، سید ابوالقاسم، (۱۳۹۴) مبانی تکمله المنهاج، انتشارات اسلامی، قم.
۱۰. داراب پور، مهرباب، (۱۳۷۷) قاعده مقابله با خسارت، انتشارات گنج دانش، تهران.
۱۱. دهخدا، علی اکبر، (۱۳۷۷) لغت نامه دهخدا، انتشارات دانشگاه تهران، تهران.
۱۲. سلطانی نژاد، هدایت الله، (۱۳۹۴) بررسی تطبیقی خسارت معنوی، میزان دانش، تهران.
۱۳. صفائی، سید حسین، (۱۳۷۶) حقوق مدنی، انتشارات سمت، تهران.
۱۴. طاهری، محمدعلی، (۱۳۸۵) دانشنامه خصوصی، نشر محراب فکر، تهران.
۱۵. علامه مجلسی، محمدباقر، (۱۴۰۹) بحار الانوار، دار الاحیاء التراث عربی، بیروت.
۱۶. فیوضی، رضا، (۱۳۵۶) مسئولیت بین المللی، انتشارات دانشگاه تهران، تهران.
۱۷. کاتوزیان، ناصر، (۱۳۷۴) حقوق مدنی (اموال و مالکیت)، انتشارات دانشگاه تهران، تهران.
۱۸. کاتوزیان، ناصر، (۱۳۷۱) حقوق مدنی، انتشارات دانشگاه تهران، تهران.
۱۹. کاتوزیان، ناصر، (۱۳۷۴) مسئولیت مدنی، انتشارات دانشگاه تهران، تهران.
۲۰. محقق اردبیلی، احمد، (۱۴۱۵) مجمع الفائده، مؤسسه نشر اسلامی، قم.
۲۱. محقق داماد، مصطفی، (۱۳۷۴) قواعد فقه، انتشارات سازمان سمت، تهران.
۲۲. مکارم شیرازی، ناصر، (۱۳۶۷) تفسیر نمونه، دارالکتب الاسلامیه، تهران.
۲۳. موسوی اردبیلی، عبدالکریم، (۱۴۱۵) فقه الحدود و تعزیرات، مکتبه امیرالمؤمنین، قم.
۲۴. نقیعی، سید ابوالقاسم، (۱۳۸۸) حریم خصوصی در مناسبات و روابط اقتصادی خانواده، انتشارات تهران، تهران.

